

اعدام

اعدام در رأس مجازات های جنائی غالب کشورها قرار گرفته و شدیدترین مجازاتهای کنونی میباشد.

در زمانهای پیش موارد اعمال آن بیشتر بوده بدین معنی که در تمام روی زمین مرسوم و تعداد جنایاتی که مستحق اعدام شناخته میشدند زیادتر از زمان حاضر بود لیکن روز بروز اهمیت آن کاسته شده بطوریکه امروزه کشورهای زیادی مجازات اعدام را از صورت مجازات های خود حذف کرده اند قبل از جنگ بین الملل نروژ و هلاند و بعضی کانتن های سوئیس و بریتانیا و ایتالی و رمانی و پس از جنگ دول دیگر از قبیل اتریش و جمهوری آرژانتین مجازات مزبور را از قوانین جزای خود بیرون کردند (هرچند دولت ایتالیا دوباره در موارد محدودی حمله بجان خانواده سلطنتی و رئیس الوزراء آنرا برقرار نموده است).

بعلاوه در کشورهایی که هنوز این مجازات وجود دارد مورد اجرای آن راقانون بی نهایت محدود کرده بطوری که غالباً فقط در مواردیکه بجان انسانی لطمه وارد آمده اجرا میگردد و در همان موارد معدود نیز عوامل دیگری در عمل باعث کم شدن اجراء این مجازات میگردد.

۱ - اراده روسای دولت - رئیس دولت در غالب کشورها حق عفو دارد میتواند محکومین با اعدام را ببخشد و از این حق رؤسای غالب دول بخوبی استفاده میکنند.

۲ - نظر هیئت منصفه - در کشورهایی مثل کشور فرانسه که در دادگاه جنائی علاوه بر حضور قضات هیئت منصفه نیز تشکیل میشود با اعلام اوضاع و احوال مخففه می توانند مجرم را از محکوم شدن بمجازات اعدام نجات دهند و غالباً هیئت منصفه بیش از حد خود را رؤف نشان داده و مانع از افتادن سرهای زیادی شده است.

انتقاد مجازات اعدام

انتقاد فلسفی

علماء در قدیم از لحاظ فلسفی موضوع را نگاه کرده

میگفتند مجازات اعدام غلط است زیرا جانی که خدا بیک نفر داده جامعه حق ندارد از او بگیرد لیکن در مقابل این عقیده موافقین جواب داده اند جامعه برای حفظ و بقای خود تمام حقوق را دارد وقتی که يك عضو آن فاسد شد نباید بگذارد فساد بسایر اعضاء سرایت کند واجب است عضو فاسد را بدون تأمل قطع کند.

انتقاد از نظر حقوق جزاء

استدلال مخالفین :

۱ - مجازات اعدام خطرناک است زیرا وقتی که اجرا شد دیگر مرمت پذیر نیست اگر قاضی پس از اجرای حکم متوجه خطای خود شد دیگر کار از کار گذشته و این خطا قابل جبران نیست.

۲ - مجازات اعدام غیر عادلانه است زیرا در جاتی ندارد در صورتی که سایر مجازاتها قابل تقسیم بدرجات می باشند مدت ریا سختی آنها را نمیتوان زیاد و کم کرد.

۳ - مجازات اعدام بی فایده است زیرا مجازات حبس دائم همان عمل اعدام را انجام می دهد یعنی برای همیشه مجرم را از جامعه طرد می کنند بعلاوه مضر نیز میباشد زیرا در فکر و انظار مردم درجه اهمیت جان انسانی را کم می کند دولت خود عملاً نشان می دهد که جان را باسانی میتواند از بین برد و بدین طریق احترام جان در چشم مردم کاسته میشود بعلاوه بعضی جنایاتکواران از فرط جهالت از اعدام نترسیده و برای خود تصور افتخار و شجاعتی از مواجه شدن با آن می نمایند.

برای ثبوت بی فایده بودن مجازات اعدام مخالفین دلائل دیگری می آورند می گویند اولاً دیده شده است کسانی موقع اجراء مجازات اعدام حضور داشته و بچشم خود شخص مجازات شده را دیده معذک مرتکب جنایات بزرگ شده اند ثانیاً آمار جزائی نشان می دهد در کشورهایی که مجازات اعدام حذف شده عده جنایات نه تنها زیاد نگردیده بلکه رو به تنزل رفته است.

جواب موافقین

۱ - درست است که مجازات اعدام پس از اجراء دیگر قابل مرمت نیست لیکن شرط اول و عمده محکومیت باین مجازات اینستکه یقین قطعی و بلا تردید حاصل گردد اگر اندک تردیدی در ارتکاب جرم پیدا شد و یا مختصر موردی برای تخفیف مجازات در پرونده کار بود از محکوم کردن بآن باید خودداری کرد در این صورت هیچ احتیاجی بمرمت پیش نخواهد آمد.

۲ - در تصور غیر عادلانه بودن این مجازات مخالفین راه غلطی می روند عدالت بشری ادعا ندارد بطور کامل مجازات را با جرم متناسب کند در این حال نه فقط مجازات اعدام بلکه تمام مجازات های دائمی دارای این نقص می باشند بهترین جوابی که میتوان داد اینست که باید جنایت بقدری وخیم باشد که سزای مرتکب اعدام باشد حال بین جرم هائی که سزای آنها اعدام تشخیص داده شده ممکن است بعضی شدید تر و بعضی خفیف تر باشند اگر مجازات قاتل بعهد اعدام است مجازات شخصی که پدر خود را کشته و یا مرتکب چندین قتل گردیده ظاهراً باید بیشتر از اعدام باشد در قدیم که اعدام بازجرهای دیگری همراه بود بمنظور اجرای همین نظر بود.

ولی امروزه اعدام فقط و یکسان برای مستحقین این مجازات اجرا می گردد و مجازاتی شدید تر از اعدام در قوانین جزا نیست که در بعضی موارد اعمال شود.

۳ - برای ثبوت بی فایده بودن مجازات اعدام استدلال به مرعوب نشدن عده و آمار جنائی کشور هائی که این مجازات را حفظ کرده اند شده بود موافقین جواب می دهند اگر مجازات اعدام همه مردم را متوحش نکند عده زیادی را ترسانده و مانع از ارتکاب می گردد عده این اشخاص را باید در نظر گرفت نه عده کسانی را که مرتکب جنایت شده اند اما راجع باستدلالی که از روی آمار نهوده اند باید این نکته را در نظر داشت که قبل از حذف قانونی مجازات اعدام در کشور هائی که مبادرت بآن نموده اند در عمل این مجازات خیلی حکم اجرا می شده بطوریکه قانون یک امر

موجودی را تخصیص داده و حذف آن بالنتیجه هیچ تأثیری در آمار جنایات ارتکابی نداشته و یا اینکه تحت تأثیر عوامل مختلف آمار جنایات در یک کشور رو به تنزل می رفته و پس از حذف مجازات اعدام تحت تأثیر همان عوامل تنزل خود را ادامه داده است.

انتقاد احساساتی

مخالفین می گویند این مجازات وحشیانه و برخلاف وجدان انسان متمدن است میتوان جواب داد که حبس در یک محل محقر نیز با تمدن منافات دارد هیچ ثابت نشده است که اعدام از حبس سالهای دراز با افراد و یا حبس مؤبد با اعمال شاقه در متصرفات بدآب و هوا سخت تر باشد زنده گذاشتن و رنج دادن یک عمر بهتر است یا یک دفعه کشتن و خلاص کردن؟ چه بسا اشخاصی که شوق نانی را ترجیح می دهند اعدام گناه کمترین مجازات هاست

مجازات اعدام از نظر فن حقوق جزا گناه کمترین مجازات هاست بدین معنی که عمل کیفر دهنده خود را از سایر مجازاتها بهتر انجام می دهد لیکن چنانکه از ابتدا گفتیم یک شرط عمده در محکوم کردن بآن لازم است باید یقین و قطع بدون هیچ شائبه ربیبی بر مستوجب آن بودن برای قاضی حاصل گردد.

دلایل ما بر این ادعا بقرار یابین است :

۱ - جنایتکاری که اعدام می شود افراد جامعه یقین پیدا می کنند که بگیر خود رسیده دیگر چون و چرائی در کار نیست در صورتی که محکوم بحبس دائم با اعمال شاقه و یا زندان بهر طریق باشد ممکن است پس از مدتی زندانیان را اغفال کرده از دام مجازات بجهتد و یا در نتیجه انقلابات و یا اتفاقات طبیعی و انسانی دیگری زندانیان رها گردند و بسزای خود نرسند بالنتیجه عمل اخلاقی مجازات که کیفر دادن باشد صورت نگیرد.

۲ - از نظر نفع جامعه جنایتکاری که مستحق اعدام تشخیص داده شده و زنده بودن او برای هیئت اجتماع خطرناک است بطور یقین بوسیله اعدام طرد و جامعه از خطر او حفظ می گردد لیکن اگر محکوم به زندان گردد در صورت فرار

امکان کمتر نریج به بدن مجرم وارد آید زیرا مقصود از اعدام در فکر جزائیون برداشتن حیات است از محکوم نه آزار جسمی او .

طریق اجراء اعدام

بدو طریق عمده مجازات اعدام در کشور های مختلف صورت می گیرد دار آویختن (در انگلستان و ایران) جدا کردن سر از بدن (در فرانسه بوسیله گوتین) طریق اول این مزیت را دارد که رنگ خون ریخته را مردم نمی بینند طریقه های دیگر از قبیل خفه کردن (در اسپانی) تیر باران (در روسیه و ایتالیا) و کشتن با قوه برق (در امریکا) نیز متداول است .

در ایران طبق نظامنامه راجع با اجرای حکم اعدام مورخه ۱۳۰۷ محکوم با اعدام مصلوب می شود بدین طریق که ۴۸ ساعت پس از اطلاع بر محکومیت اداره شهرستانی وسائل اجراء حکم را تهیه کرده منشی دادگاه حکم را بصدای بلند قرائت سپس محکوم بدار آویخته می شود و نقش مصلوب باید یکساعت در بالای دار بماند .

ماده ۴۸۵ قانون اصول محاکمات جزائی کلمه قصاص را بجای اعدام استعمال می نماید ذکر این کلمه شخص را بشبهه میاندازد و تصور می رود که قصاص هنوز در ایران اجراء می شود در صورتیکه با وجود قسمت اخیر ماده ۱ قانون مجازات عمومی قصاص در کشور ما بهیچوجه مجری نیست از لحاظ عامی هم مجازات اعدام را با قصاص که تلافی بمثل باشد نمیتوان اشتباه کرد زیرا اعدام در قانون ایران فقط بموارد قتل نفس اعمال نمیشود در موارد جرم های دیگر که در پائین ذکر شده که هیچ قتل نفسی صورت نگرفته است باز مجازات آن اعدام می باشد .

پس کلمه قصاص بخطا در قانون استعمال شده و بهتر است عوض گردد

موارد تعیین مجازات اعدام در قانون مجازات عمومی قانون مجازات عمومی ما برای دو گونه جرائم مجازات اعدام تعیین نموده است .

۱ - جنایات سیاسی .

دوباره مغل آسایش مردم خواهد شد ، تصور نشود که فرار کردن از زندان کاری مشکل و یا مجال است در کشورهای اروپا که مستحفظین هشیار دارند فرار از زندان زیاد اتفاق می افتد .

۳ - مجازات اعدام عمل ارهابی بزرگی انجام می دهد کلمه اعدام تأثیر روحی بزرگی دارد زیرا اعدام با احتیاج به حیات و حس زندگی خواهی و دوام طلبی که غریزه بشر است منافات دارد جز معدودی از بشر که در مقابل مرگ خونسرد می باشند طبیعتاً انسان ها از آن سخت می ترسند بعلاوه لفظ اعدام در ادعای يك نوع تسلسل فکری دارد با آلات اعدام در هر کشور (دار ، کیوتین ، تفنگ ، صندلی برق و غیره) ترس از این آلات و ترس از خود اعدام توأم شده وحشتی بزرگ در خاطر ها میزاید با اضافه مجازات اعدام امید استخلاص برای جانی باقی نمی گذارد در صورتیکه در مجازات زندان زندانی همیشه امید خلاص شدن و یا فرار کردن را دارد و هر روز منتظر اتفاقات و پیش آمد هایی می باشد که وسیله نجات او گردند خلاصه تمام عوامل نامبرده دست بهم داده اعدام را در نظر ها يك مجسمه مخوف و موحشی جاوه میدهند که اگر کسی شب خواب آنرا به بیند رعشه بر اندامش می افتد .

۴ - مجازات اعدام يك اسلحه برنده ایست در دست دولت که برای دفاع جان افراد و حفظ استقلال و تمامیت خود احتیاج به این سلاح دارد معقول نیست دولتی با اراده خود با وضع قانونی يك قوه دفاعیه محکم و مؤثری را از دست بدهد و خود را در مقابل دشمنان جان خود و مردم ضعیف کند خلاصه بر گمان نگارنده مجازات اعدام را در قانون باید حفظ نمود ولی در عمل نهایت حزم و احتیاط را در بکار بردن آن مراعات کرد و تصور می کنیم اگر بررسی دقیقی در آمار کشور هائی که آنرا حذف کرده اند بشود معلوم خواهد شد که علل و عوامل دیگری باعث تنزل عده جنایات شده است نه حذف مجازات اعدام .

اجرای مجازات اعدام

در اجرای مجازات اعدام کوشیده می شود که بقدر

۲ - جنایات عادی .

جرائم سیاسی دو فصل اول از باب دوم قانون مجازات عمومی تحت عنوان جنحه و جنایات بر ضد امنیت مملکت و در فصل دوم همان باب تحت عنوان (در مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی) ذکر شده فصل اول نیز بدو مبحث تقسیم شده .

مبحث اول جنحه و جنایات بر ضد امنیت خارجی مملکت .

مبحث دوم جنحه و جنایات بر ضد امنیت داخلی مملکت .

جنایتکارانی که در این دو فصل مستحق اعدام تشخیص داده شده اند عبارتند از جنایتکاران بر ضد امنیت خارجی مملکت .

کسی که بر ضد کشور ایران مسلحاً قیام نماید کسی که اسباب چینی کرده اسباب عداوت و جنگ دول بیگانه را بر ضد ایران فراهم کند کسی که وسائل ورود دشمنان را بداخل خاک ایران فراهم نماید اطلاعاتی مبنی بر مواضع و جاسوسی بدشمنان ایران بدهد اسرار راجع بحرکت قشون را تسلیم دولت بیگانه کند جاسوسان اجنبی را مخفی کند (مواد ۶۰ الی ۶۶ ق-م-ع) .

۲ - جنایتکاران بر ضد امنیت داخلی مملکت (کسی که اهالی را بجنک و قتال با یکدیگر اغوا و تحریک کند که موجب قتل در بعضی از نواحی گردد) (ماده ۷۰ ق-م-ع)

هر کس عمداً و بقصد سهو و خیانت مخزن اسلحه یا قورخانه یا کشتی یا اشیاء عمومی را که محتوی اسناد یا دفاتر دولتی است متحرق یا خراب نماید (ماده ۷۳ ق-م-ع) قطع الطریق نسبت بجرمی که مرتکب شده اند مجازات آنها اعدام و یا حبس مؤبد با اعمال شاقه است (ماده ۷۵ ق-م-ع)

۳ - جنایتکارانی که مخالفت با اساس حکومت ملی و آزادی نموده اند (هر يك از وزراء و اعضای پارلمان و صاحبمنصبان و مأمورین دولتی که بر ضد حکومت ملی قیام نماید یا حکم قیام را بدهد) (ماده ۸۲ ق-م-ع)

جنانات عادی مستحق اعدام عبارتند از قتل عمد (ماده

۱۷۰) جرح یا ضرب منتهی بسوت بدون قصد کشتن اگر با آلت قتاله صورت گرفته باشد (ماده ۱۷۱) هر کس عمداً عمارت یا کشتی یا کارخانه یا انبار و بطور کلی هر محل مسکون یا مستعد برای سکنی را آتش بزند و هرگاه حریق اسباب هلاک نفسی شود و مرتکب در هلاک قاصد باشد (ماده ۲۵۰ الی ۲۵۳ ق-م-ع)

هر کس عمداً بدیگری ادویه یا مشروباتی بدهد که موجب قتل یا مرض یا عجز او از کار گردد مثل آن است که بواسطه جرح یا ضرب موجب آن شده باشد و همان مجازات را خواهد داشت (ماده ۱۷۶ ق-م-ع)

پس در این ماده اخیر در صورتیکه ادویه یا مشروبات مهلك بوده و بعمد بخورد دیگری داده شود و باعث هلاک او گردد مجازات فعل همان اعدام خواهد بود . دگر آشوب